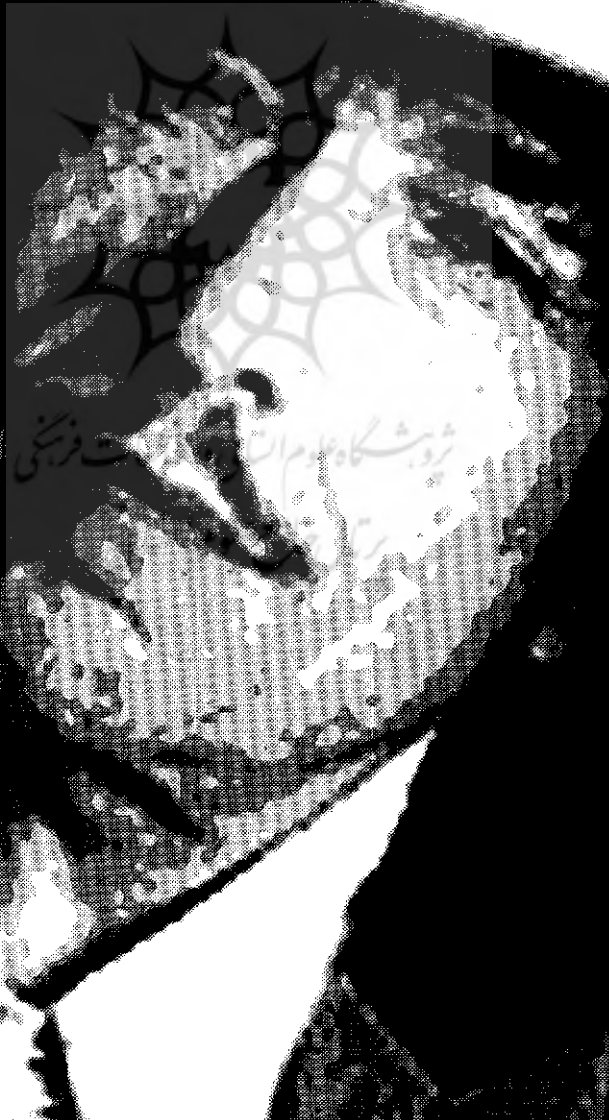




دیوان

سیاسی‌ترین خواننده

دوره دوم دیوان





مجدد هنک بیکار فکر کن به جدول ده هنک برتر هفته را پیدا کردند. چند ماه پس از این جریان، این سه نفر همراه با دیلن در یک اجرای زنده در سهر و سنسکتن حاضر شدند و پس از سخنرانی مشهور مارین لوئر نینک تحت عنوان «روایای دره» برنامه اجرا کردند. گروه The Byrds به رهبری راجر مک کین نخستین گروه راک بود که با استفاده از قدرت شعر دیلن، سعی در مطرح کردن خود داشت. آلبوم اول آنها Mr. Tambourine Man شامل اجرای مجدد از «هنک‌های دین» بود. از این پس پدیده اجرای مجدد بدل به یک بخش جدید در صنعت موسیقی شد. اکنون اگر به سایت معتبر CDNOW مراجعه کنیم به نام بیش از ۵۰ گروه و خواننده معتبر برمی‌خوریم که در طول این چهل سال حداقل یک اجرای مجدد از آهنگ‌های دیلن را داشته‌اند از جیمی هندریکس با هنک All Along Watch Tower گرفته تا U2. سل بانگ و دیومانیوس باند.

حتی برخی هنک‌ها چون «I Aon, I me» توپاز توسط جانی کش (Johnny Cash) و دال ناندز (Doll Thunders) اجرا شده. کش هنک ۱۰ ساله سال ۱۹۶۷ اجرا کرده در حالی که دال ناندز در دهه ۱۹۸۰ در مجموعه آکوستیک «برنج می‌دهی» آن را اجرا کرده. برلین فری (Bryan Ferry)، خواننده قبلی را کسی موزیک (Roxy Music) در آلبوم انفرادی سال ۱۹۷۳ خود که اختصاص به اجراهای مجدد (Covers) به نام «این چیزهای اضافه» دارد، هنک «بارن سخنی در راه است» را اجرا کرده این هنک بار دیگر در فیلم متولد چهارم ژوئیه زینب بخش سحنه‌های بازگشت تام کروز به میان خانواده‌اش با صدای اوی بریکل شده. هنک «سندان جنگ از آلبوم



Free wheelin نیز به تلاخر باب طبع هنرمندان گران (Grunge) شهر سیاتل بوده چرا که بیکار توسط دو تن از اعضای گروه پرنل جم ادی ودر (Eddie Vedder) و ما یک مک کوردی (Mike McCreedy) در سال ۱۹۹۱ در مینسوتا سخنور نیویورک به سبب آکوستیک اجرا شد و دو سال بعد اجرای مجددی از آن را در آلبوم روی کرده ماهانی (Mudhoney) با صدای مازک آرم (Mard Arm) شنیدیم. از هنک مشهور Knockin on Heavens Door در موسیقی متن فیلم باب کارب و بیلی کند هم دو اجرای مجدد به یادماندی در تاریخ موسیقی می‌بینیم. یکی مربوط به آرنک کلسون در سال ۱۹۷۵ و دیگری از کانژن روزز در سال ۱۹۹۱ که بدل به محبوبترین هنک برتر شد فردی مگوری شد.

کر چه آکس بر (خواننده گروه کانژن روزز) به سراجت اظهار کرده بود که شدیدن است و از نمایشگران خواسته تا به او توجه کنند و یاد او را فراموش ندهند. ولی دیلن هرگز پاسخ به این اظهارات نداد چون می‌دانست که آهنگ‌هایش به‌خودی خود از او دفاع می‌کنند. شاید هم او از این طریق می‌خواهد به دیگر مورسین‌ها امکان دهد معانی مخفی شعرانش را به زمان موسیقی خود ترجمه کنند و به معنی نوینی برسند که شاید خود دیلن نیز از آنها غافل بوده. دیلن همیشه به موسیقی‌اش اعتماد دارد چون می‌داند که هیچ موسیقی‌است که همیشه حقیقت خود را بگویند.

باب دیلن مهم‌ترین برانه سرای تاریخ موسیقی معاصر و یکی از برجسته‌ترین خوانندگان عصر ما محسوب می‌شود. او رها اصلی دو نسل شاخص آهنگسازان و ترانه‌سرایانی چون هنک ویلیامز، وودی گاتری با تیل بانک، جانی میچل و... محسوب می‌شود. دیلن خود در دوران نوجوانی از علاقمندان موسیقی راک و چتره‌هایی چون لوئیس برسل، لیل ریچارد و جانی دی بود. نخستین درخشش او به سال ۱۹۶۰ در اجرای زنده موسیقی فولک در دانشگاه مینه‌سوتا بود و با بهره‌گیری از نوبی آکوستیک کیتار و سازدهنی بخوبی وجهه عمومی برای خود دست و پا کرد. همزمان با حضور او در نیویورک در ژانویه ۱۹۶۱ نخستین آلبوم او از کیمیای کلمبیا توزیع شد. از همان ابتدا، شعار هنک‌هایش در کنار ارزش‌های فکار ناپذیر موسیقایی‌اش، مولد یک موج فرهنگی در موسیقی دهه ۱۹۶۰ بود که خیلی زود بیرونی چون فیل وکس، تام پکستون و جودی کالینز یافت. این موج موسیقی خیلی رود به خاطر متن آهنگ‌هایی چون Blowin in the Wind، My Back pages نام «موسیقی اعتراض» به خود گرفت و حتی با تأثیر پذیرفتن از شاعرانی چون جان کس، ارنور ریمباود و آلن کیس برگ به پیچیدگی خاصی رسید. «همه را به وطن بیاورید» نخستین نثر الکتریک دیلن به سال ۱۹۶۵ بود اوج فعالیت‌های دیلن در پاییز ۱۹۶۵ بود که

و همراه با مایکل بلوم فیلد (کیتار) ری ریلتسون (کیتار) و ال کوپر (راک) گروهش Hawk (که بعدها The Band نامیده شد) اقدام به انجام یک تور جهانی کرد که به قول عده‌ای اگر دیلن در جولای ۱۹۶۶ با موتورسیکلت تصادف نمی‌کرد تا بدامنه می‌یافت! جالب اینجاست که از این زمان تا به امروز اکثر آثار ارزشمند دیلن را کارهای زنده او تشکیل می‌دهند تا آلبوم‌های

استودیوای‌اش. در طول این دوره او بارها با گروه‌ها Tom Petty The Heartbkers و Grate ful Dead

و کسرت‌های زنده کرده. و در طول این سالها هیچ‌گاه بیش از شش ماه استراحت نداشته و برای مثال در سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۰۰ روز کسرت اجرا کرده در حالی که بروس اسپرینگستین در طول یک سال فقط ۴۰ روز اجرا داشته. با احتساب تمام آلبوم‌های «بهترین‌ها» و آلبوم‌های زنده، دیلن بیش از یکصد آلبوم ثبت شده دارد که همچون معدنی از طلا برای کمی‌پردازی محسوب می‌شود. این کمی‌پردازی‌ها از همان روزها ابتدایی یعنی سال ۱۹۶۳ آغاز شد هرچند که دیلن خود نیز در آغاز راه اقدام به اجرای مجدد آهنگ‌های دیگران کرده بود. آلبوم اول او شامل ۱۱ هنک اجرای مجدد و ۲ آهنگ آپریل بود که یکی از آنها هم با همکاری وودی گاتری نوشته شده بود. اما آلبوم‌های بعدی او دنیای موسیقی را تکامل داد و خیلی زود الگوی دیگران در موسیقی فولک و مردم‌پسند شد. جوان‌ترین، The Byrds و Odetta برخی از فوئترین کارهایشان را با

استعار او خلق کردند. آلبوم زنده سال ۱۹۶۳ با این به نام «جوان‌بتر در کسرت قسمت دوم» شامل در اجرای مجدد از دیلن بود و این گروه برداری در آلبوم‌های بعدی از تیر نگار شد. همان‌طور که خوانندگان ریتم و بلوز برای فولادی چون لوئیس آکو بودند، دین نیز برای خوانندگان چون آن دور، یک الگوی کامل به حساب می‌آمد. در ۱۹۶۳ سه خواننده جوان با نادهی بیسر، بیول و ملای با اجرای



قصداً تهیه یک گفت‌وگو پیرامون زندگی و با اشعار آلبوم جدیدش «عشق و سرقت» بود ولی دین خلیلی زود ابتکار عمل را به دست گرفت و دربارهٔ موفقیت موسیقی پاپ صحبت کرد. «پنج ستاره» این نخستین عبارتی بود که در اتاق هتل در سانتامونیکا کالیفرنیا از او شنیدیم: «مجله رولینگ استون پنج ستاره به آلبوم من داده، در طول این ۱۵ سال با چند نفر گفت‌وگو کرده‌اید که نقد ۵ ستاره برای آلبومشان داشته باشند؟» من هم برایش توضیح می‌دهم که ما در لس‌آنجلس تایمز فقط نقدها را با حداکثر چهار ستاره ارزیابی می‌کنیم. بعد از خودم می‌پرسم که آیا واقعاً بزرگترین شاعر/آهنگساز دنیای پاپ تا این حد به یک نقد اهمیت می‌دهد؟ من حتی نمی‌توانستم تصور کنم که او دربارهٔ دریافت جایزه گرمی (Grammy) و یا دریافت اسکار برای آهنگ «اوضاع عوض شده» از کیم «پسران خارق‌العاده» هیجان زده شود! پس از ۴۰ سال فعالیت، موسیقی دین همچنان ملغمه‌ای از راک، بلوز و کانتری است ولی به نظر می‌رسد او در تلاش است تا همراه با گروهش موسیقی پاپ را از سر راهزنی شارلاتان‌های امروزی صنعت موسیقی حفظ کند. پس از فراغت از آلبوم جدید، دین ۶۰ ساله این روزها بار دیگر مشغول نگارش یک اتوبیوگرافی است. با ذکر این نکته به او که آلبوم «عشق و سرقت» در لس‌آنجلس تایمز نیز با چهار ستاره نقد شده، گفت‌وگو را آغاز می‌کنیم.

سیاسیت موسیقی و نوشتالثری دهه ۱۹۶۰

● به نظر می‌رسد موسیقی آلبوم جدید از دوره‌های دیگر الهام گرفته شده ...

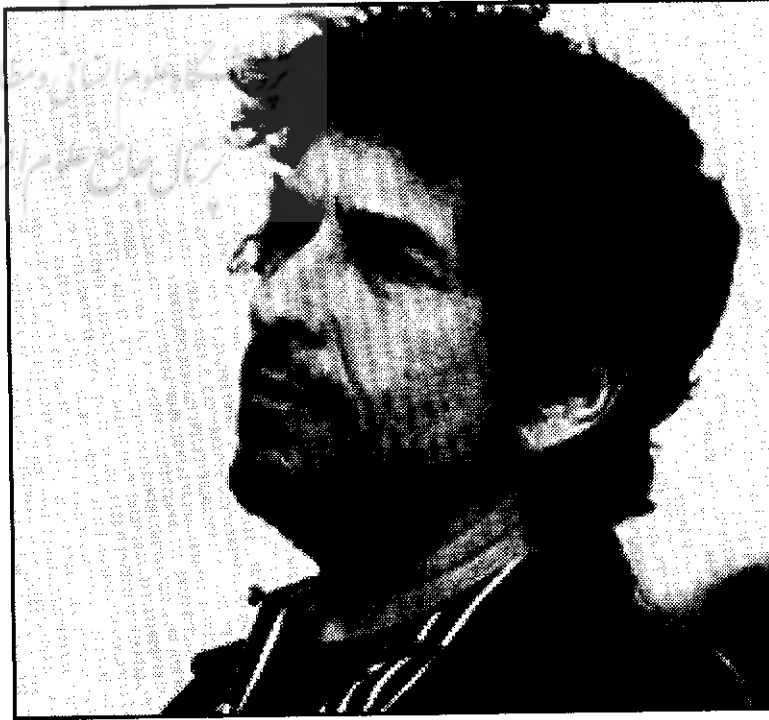
هم‌اکنون گروه‌هایی را در بالای جداول موسیقی می‌بینید که همچون بزرگان راک اندرول از آنها تقدیر می‌شود در حالی که آماتورهایی بیش نیستند. آنها حتی نمی‌دانند موسیقی از کجا آمده شاید هم خوش‌شانس بودم که از دوره‌ای متفاوت کار را شروع کرده‌ام. در آن زمان هنرمندان بزرگ بلوز کانتری و فولک همه جا به چشم می‌خورند و انگیزه برای هم‌نوازی در میان آنها در سنین پایین به سراغم آمد. اگر من در این روزها به دنیا آمده بودم، حتی فکر نواختن موسیقی را از ذهنم خارج می‌کردم. من حتی به رادیو هم گوش نمی‌دهم و موسیقی ریو (Rave) برایم هیچ مفهومی ندارد.

● پس اگر قرار بود سراغ موسیقی نروید، انتخاب اول شما چه بود؟

احتمالاً چیزی شبیه ریاضیات و یا معماری.
● موسیقی پاپ را این روزها چطور می‌بینید؟
فکر نمی‌کنم هیچ‌گاه موسیقی پاپ. روزگاری بدتر از امروز را به چشم دیده باشد. لویی آرمسترانگی که من می‌شناختم آهنگ «Hello Dolly» را خوانده بود و آهنگی چون «West End Blues» از او سال‌ها پس از آن برایم متصور نبود.

«زمان خارج از ذهن» یک آلبوم خلاقانه به حساب می‌آید... بعد از آن بود که فهمیدم نباید آلبوم دیگری با آهنگ‌هایی دارای تمپو بالا را داشته باشم و اگر تفاوتی در آلبوم جدید نسبت به «زمان خارج از ذهن» می‌بینید، به همین دلیل است.

● آیا هنوز شعر می‌سرایید؟
بیش از آنکه بخواهم آهنگی برایش بسازم و تازه اگر هم قرار بر ساخت آهنگ باشد، گاهی اوقات کوتاه می‌شوند. برای مثال در این آلبوم شعر «بلوز روز تنهایی» تقریباً به نصف تقلیل یافته.
● در آلبوم جدید شما طنز هم به مایه اشعار اضافه شده! می‌خواستم آهنگ‌های من تا حد ممکن سه بعدی باشند چون آهنگ‌های یک یا دوبعدی چندان دوامی ندارند. به نظر من وجود طنز در جایی که امکان داشته باشد، خیلی مهم است. حتی خواننده‌های غیرقابل تحمل رپ هم از طنز استفاده می‌کنند!
● بیشتر چه زمانی اقدام به نگارش اشعار می‌کنید؟ در خلال تورها و یا زمانی که در منزل استراحت می‌کنید؟
خودم هم دقیقاً نمی‌دانم شاید بعد از اینکه شما از این اتاق بیرون رفتید یک شعر بنویسم مثلاً دربارهٔ نحوه لباس پوشیدن شما. من به مردم به چشم ایده نگاه می‌کنم نه یک موجود زنده، اینکه او چه چیزی برای ارائه دارد و بعضی اوقات هم به عمق مطالب فکر می‌کنم.
● آیا علاقه‌ای به رقابت بوش و ال‌گور داشتید؟





حتی پای آن تا به امروز کشیده شده.

● شما روح دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ را چگونه ارزیابی می کنید؟
یک روح سرکش و یاغی.

● امروز چطور؟
دقیقاً نمی دانم ولی اگر مراقب نباشیم بزودی استقلال خود را از دست می دهیم و مسائل حقوقی برای شهروندان رعایت نخواهد شد.

● آیا خود را یک هنرمند فوق العاده می دانید؟
بله منتهی تا سال ۱۹۷۴ که در یک کنسرت با گروه The Band حضور داشتم. پس از آن اکثر مدت زمان زندگی را صرف خانواده ام کردم و مدت ها طول کشید تا بتوانم بار دیگر، به گذشته بازگردم. گاهی اوقات مسائلی شما را از صحنه موسیقی محو می کند.

● اکنون اوضاع خود را چگونه ارزیابی می کنید؟
در اوایل دهه ۱۹۹۰ من از شر رسانه های سازماندهی شده رها شدم که شاید بهترین رخداد برای من بود. من مدت ها انتظار چنین موقعیتی را داشتم. هیچ هنرمندی برای بلند مدت نمی تواند در سایه رسانه ها رشد کند حال این رسانه هر چه می خواهد باشد. اگر قرار باشد که رسانه ها درباره هر کاری که شما انجام می دهید بحث کنند، هرگز تمرکز لازم را نخواهید داشت.

● آیا با دریافت جوایز متعدد و معبر رسانه ها بار دیگر به سراغتان نخواهند آمد؟
نه، تاریخ مصرف تبلیغاتی من تمام شده. اگر آنها یکبار دست از سر شما بردارند، دیگر به سراغتان نمی آیند بلکه به دنبال سوزه جدیدی می گردند تا بتوانند استفاده تبلیغاتی خود را انجام دهند.

بله من انتخابات را دنبال کردم، تا ببینم سرانجام چه کسی برنده می شود. ولی اگر از بالا به جریان نگاه کنیم می یابیم که دولت تا چه حد متزلزل است و هر کسی و هر چیزی در این دوره قابل خرید و فروش است.

● این بدبینی را از شخصی که تمامی افکارش در دهه ۶۰ مثبت بود چگونه ارزیابی کنیم؟
شک ندارم که بسیاری از مردم معنای اکثر اشعار مرا درک نمی کنند. همان طور که من هم بسیاری از اشعاری که توسط عده ای کودن درباره مردم نوشته می شود را درک نمی کنم! همیشه از این مسأله شکایت داشته ام که چرا رسانه های جمعی چهره ای از من ارائه داده اند که هرگز نداشته ام. اکثر اشعار من توسط افرادی که چیز زیادی نمی دانند به غلط تفسیر شده.

● در این مورد مثالی بزنید.
«استادان جنگ» را در نظر بگیرید. هر زمان که آن را می خوانم یک نفر در گوشه ای می نویسد که این آهنگ کاملاً ضد جنگ است ولی جالب اینجاست که هیچ فاکتوری بر علیه جنگ در این آواز وجود ندارد. اگر کمی به مضمون این شعر دقت کنید آهنگ پیرامون اظهارات آیزن هاور درباره خطرات مجموعه های صنعتی / نظامی در این کشور است.

● ولی ایده آلیسم تثبیت شده ای در کشور و همچنین در آهنگ های شما در دهه ۱۹۶۰ به چشم می خورد.
به عقیده من کشور در حول و حوش سال ۱۹۶۶ دچار تحول عظیمی شد و برای درک دقیق آن بایستی به کتابهای تاریخی مراجعه کرد. این تحول به هر حال من و شما را متحول کرده و



ترانه «می‌سی‌سی‌بی» از آلبوم «زمانی به دور از تفکر» است. آلبوم «عشق و سرقت» هم از نظر فضا و حال و هوا و هم لحن و حالت صدا با آلبوم «زمانی به دور از تفکر» تفاوت دارد. این آلبوم توسط دانیل لانویس (Daniel Lanois) و آلبوم عشق و سرقت نیز توسط دیلن (با نام مستعار جک فراست) تهیه شده که در آن از وجود کمپبل و سکستون به عنوان گیتاریست استفاده شده است.

دیلن در این آلبوم با ترکیب تفکرات صریح و روایت‌های پیچیده با موسیقی بلوز، راکابیلی، آوازهای میکنده‌ای و قبیله‌ای، یکی از شادترین و جالب‌ترین آلبوم‌هایش را به طرفدارانش عرضه کرده است. وقتی از دیلن پرسیده شد که چرا از بخشی از ترانه می‌سی‌سی‌بی در آلبوم عشق و سرقت استفاده کرده است، وی در پاسخ چنین می‌گوید: «اگر نسخه اصلی می‌سی‌سی‌بی را گوش دهید، متوجه می‌شوید که این ترانه از نظر ملودی و ساختار هنوز دست‌نخورده و بدون تغییر باقی مانده و دارای ریتمی بی‌روح و کسل‌کننده است.

به همین علت، من ریتم‌های ترکیبی آفریقایی را از آن ترانه جدا کردم. من به معانی اشعار توجه زیادی داشتم و نمی‌خواستم که این معانی در دل ضربات پرتب و تاب طبل‌ها مدفون شود.» جالب این که دیلن بیشتر اشعار آلبوم عشق و سرقت را جابه‌جا

ماه می گذشته، باب دیلن به مدت ۲ هفته هر روز حدود ساعت ۳:۳۰ به استودیوی ضبط موسیقی واقع در مرکز شهر منهتن می‌رفت. دیلن پس از وقفه‌ای چهارساله، در حال تهیه و آماده‌سازی اولین آلبومش «عشق و سرقت» می‌باشد. در این آلبوم اوچی میرز (Augie Meyers) نوازنده ارگ و آکاردئون که از دوستان قدیمی دیلن می‌باشد و همچنین لاری کمپبل (Larry Campbell) و چارلی سکستون (Charlie Sexton) (گیتاریست) و تونی گارنیر (Tony Garnier) (گیتار باس) همکاری می‌کنند. اوچی در

مورد فعالیتشان چنین می‌گوید: «ما در این مدت متوجه گذشت زمان نشده بودیم. هر روز برای ما تازگی خاصی داشت، چون هر روز ترانه جدیدی را کار می‌کردیم.» آلبوم «عشق و سرقت» که در ۱۱ سپتامبر امسال توسط کمپانی کلمبیا رکورد به بازار عرضه می‌شود، موفقیتی برای دیلن به‌شمار می‌آید. آخرین آلبوم او به نام «زمانی به دور از تفکر» در سال ۱۹۹۷، سه جایزه گرمی را از آن خود کرد و امسال نیز جایزه آکادمی و گوی طلایی را

به‌خاطر آهنگ «اوضاع عوض شده» از موسیقی متن فیلم پسران خارق‌العاده‌دست آورد. یازده آهنگ جدید آلبوم «عشق و سرقت» قدرت جادویی و تنوع اجراهای زنده دیلن را در این نیم‌دهه اخیر نشان می‌دهد که البته دوازدهمین آهنگ آن، اجرای جدیدی از

دیلن با خدا حافظی می‌آید





ROB DIZEN

گذشته‌اش را جستجو می‌کند. ولی تنها چیزی که می‌یابد اسراری مبهم و پیچیده است و حتی نگران کننده نیز.

ترانه‌های «خداحافظ، خداحافظ» و «تور ماه» عاشقانه و بی‌تکلف‌اند.

دیلن چندی پیش در آلبومی از دین مارتین Dean Martin به نام «به سوی من باز گرد» با وی همراهی کرد و در آلبوم عشق و سرقت نیز از این ستاره پیشین راک (دین مارتین) قدردانی کرده است. دیلن از کودکی سعی بر این داشت تا بین موسیقی بلوز و فولکلوریک ارتباط ایجاد کند و آنها را به یکدیگر پیوند دهد که البته موفق به انجام چنین کاری نیز شد.

وی در آن موقع یکی از طرفداران جانی ری Johnnie Ray و نات کینگ کول - Nat King Cole بود و چندین سال نیز با این دو ستاره قدیمی راک همکاری می‌کرد.

دیلن به گونه‌ای در ترانه‌های اخیرش هنرنمایی می‌کند که گویی مسحور و محو گذشته شده است، و در نهایت می‌توان گفت که موفقیت و دستاورد آلبوم عشق و سرقت در این است که دیلن در آن تلاش کرده تا گذشته را نیز مانند آینده، عجیب، ترسناک و افسونگر نمایان سازد.

در استودیو می‌نوشت، اگر چه این کار بسیار مشکلی بود، اما وی به خوبی از عهده این کار برمی‌آمد. باب تمایلی نداشت تا روی صدایش، صدای دیگری ضبط شود. ولی بعضی مواقع با دخالت ویولن و ماندولین تغییراتی را در صدای گیتار آکوستیک ایجاد می‌کرد.

افرادی که در آلبوم عشق و سرقت سهیم بوده‌اند، سالهاست که مانند اعضای یک خانواده با یکدیگر صمیمی هستند. باب دیلن با دور انداختن پوسته شاعرانه‌اش و تبدیل شدن به مرد رقص و آواز، طرفدارانش را متحیر و مبهوت ساخته و تولدی دوباره برای خود رقم زده است. عشق و سرقت ما را به مجموعه کاملی از ترانه‌های آمریکایی با آن عظمت مضحکش فرا می‌خواند که دیلن مانند همیشه تغییرات سرگیجه‌آوری را در موسیقی بلوز آن ایجاد کرده است. موضوعات مورد علاقه دیلن در سن شصت سالگی، همچنان ده سال اخیر، بدون تغییر مانده، ولی لحن و حال و هوای موسیقی وی عوض شده است.

در این آلبوم موضوعاتی نظیر الهام و مکاشفه و شکسته شدن دل دیلن، به‌عنوان موضوعاتی دردناک و تأسف‌آور تلقی نمی‌شوند، بلکه گویی با جهانیان مزاح نیز می‌کنند.

صدای دیلن در این آلبوم، مسن‌تر از صدای واقعی‌اش به نظر می‌رسد، هر چند او با هر سبک و گویشی بخواند، لحن خودمانی، تحکم‌آمیز و بی‌پروایش را حفظ می‌کند. دیلن در این آلبوم

افرادی که در آلبوم عشق و سرقت سهیم بوده‌اند، سالهاست که مانند اعضای یک خانواده با یکدیگر صمیمی هستند. باب دیلن با دور انداختن پوسته شاعرانه‌اش و تبدیل شدن به مرد رقص و آواز، طرفدارانش را متحیر و مبهوت ساخته و تولدی دوباره برای خود رقم زده است.



بزرگان موسیقی از دیلین می‌گویند

DIYAN



بو بو

هرگز نمی‌توانم زمانی را به‌خاطر بیاورم که صدای باب دیلین در گوشه‌هایم نباشد، اما نخستین ملاقات ما به زمانی برمی‌گردد که همراه گروه [U2] در اسلین کسل ایرلند مشغول ضبط آلبوم فراموش‌نشده بودیم و او در آنجا برنامه داشت. برخورد دوستانه و منطقی او واقعاً مرا تحت تأثیر قرار داد و حتی از من خواست تا با او و خانواده‌اش یک عکس دست‌جمعی بگیرم. او همچون یک نوای باستانی است که به شما گوشزد می‌کند بایستی خود را بشناسید و بدانید که از آنجا آمده‌اید. او در لحظات درخشان دهه ۱۹۶۰ به دنیا معرفی شد و از آن پس در امواج مدرن موسیقی شناگر قابل بود. سخنان او همیشه ابهت خود را حفظ کرده و بدون در نظر گرفتن اینکه در کدام مرحله از زندگی قرار دارید، یک آلبوم از دیلین به شما کمک می‌کند تا بهتر اطراف خود را بشناسید، وقتی در ایده‌آلیسم زمان

تین ایجری گرفتار شده‌اید، وقتی عاشق شده‌اید، وقتی از همسرتان جدا شده‌اید و یا حتی زمانی که در شوک مرگ یک عزیز هستید. باب همچون یک مکتب است که شما می‌توانید بخشی از آن را سرلوحه زندگی قرار دهید. او در عین مشهور بودن نسبت به آن بی‌تفاوت است و به تمامی پیامهایی که به ساکنان جهان می‌دهد، شخصاً عمل می‌کند.

رابی رابرتسون

اولین جشن تولدی از دیلین که در کنار او بودم، فکر می‌کنم در بیست و پنج سالگی‌اش بود زمانی که در ۱۹۶۶ در پاریس به اتفاق برنامه اجرا می‌کردیم. ثر حین یک تور بی‌سروصدا و البته در بعضی از جاها با سکه و گوجه فرنگی از ما پذیرایی شد. اما در پاریس اوضاع به مراتب بدتر شد. کوک گیتار باب در میان برنامه به هم خورد و او حدود یک ربع در وسط صحنه ایستاده بود و گیتارش را کوک می‌کرد! مردم همگی عصبی شده بودند و بعضی‌ها هم فکر می‌کردند این هم بخشی از برنامه است. جالب اینجا بود که باب اصلاً توجهی به مردم نداشت و مشغول کار خودش بود!

تام پتی

ما همه خوش شانس هستیم که در دوره‌ای از زمان زندگی می‌کنیم که تأثیر بزرگ باب بر موسیقی را همراه با حیات و فعالیت او شاهدیم. باب واقعاً یک نابغه است چرا که هنوز می‌تواند چنین آهنگهای بزرگی را بنویسد. من چند سالی را با او چه در اجراهای زنده و چه در ضبط آلبوم Wilburys Travelling گذراندم. او معلومات جالبی دربارهٔ موسیقی سایرین داشت و از این دانسته‌ها در تنظیم شاهکارهای خودش استفاده می‌کرد. او در عوض به دام افتادن در تله شهرت، به همه‌جا سر می‌زند و آنچه در ذهن دارد را به صورت موسیقی عرضه می‌کند. او فردی روراست و یک جنتمن واقعی است. شاید اکثر بزرگان امروز، شهرت خود را تا حدی مدیون او باشند چون شما فقط می‌توانید او را با بیتلز و شاید هم الویس مقایسه کنید.

جانی میچل

هیچ کس به‌خوبی دیلین نمی‌تواند آهنگساز باشد. او موضوعات بزرگ زیادی در آهنگهایش مطرح می‌کند و از صدها شخصیت برای این منظور استفاده می‌کند. شاید بزرگترین موهبت شصت‌ساله شدن دیلین نجات فردی از نسلی دیگر در یک جامعه متأثر از فرهنگ تین ایجری باشد.

دان هنتلی

باب دیلین همچون روزهای اول یک شخصیت مرموز است و هرچه مسن‌تر می‌شود، بیشتر به آنچه او برای موسیقی مدرن جهان انجام داد، احترام می‌گذارم. باقی ماندن او در فضای فعلی نه چندان مطلوب موسیقی غنیمتی برای همه ماست. او سرآمد سرودن اشعاری است که هر شنونده‌ای را به تفکر وامی‌دارد. آخرین شعر بزرگ او «اوضاع عوض شده» در این اواخر است. در دهه ۱۹۶۰، به نظر می‌رسید راک اند رول فقط یک بازی برای جوانان باشد و برای همیشه دوامی نخواهد یافت ولی حالاً دیلین آنچه را ادامه می‌دهد که در دهه ۱۹۶۰ آغاز کرده بود. دیلین نمونه انسانی است که به آنچه که باید انجام دهد، اعتقاد دارد و در راهش پاینده است.



آن نیست! همه در ابتدا به گیتار به عنوان سازی نگاه می‌کنند که همراه با شعر باید یک یا دو تکنوازی نیز داشته باشد و برخی از گیتاریست‌ها و آهنگسازان خلاف این را ثابت می‌کنند. من دوست دارم که کارم به عنوان یک آهنگساز تحلیل شود چون فکر می‌کنم بیش آنکه یک نوازنده باشم، یک آهنگساز هستم.

● از دید تجاری چگونه کار خود را پس از آلبوم موج سواری با یک بیگانه ارزیابی می‌کنید؟

آن آلبوم همچون یک معجزه برایم عمل کرد چون در طول تولید آن به هیچ‌کدام از استانداردهای ضبط و تکثیر احترام نگذاشتیم و حسابی ولخرجی کردیم! بودجه اصلی ۱۳ هزار دلار بود ولی ما ۲۹ هزار دلار خرج آن کردیم. همان زمان افرادی در کمپانی بودند که می‌گفتند چنین آلبومی باید با ۶۰۰۰ دلار ساخته می‌شد! ما آن را به بهترین شکلی که می‌پسندیدیم کار کردیم ولی هرگز در فکر بخش رادیویی آن و یا موفقیت در جدول آلبوم‌های مجله بیل‌بورد نبودیم. این آلبوم انفجار یک آینده درخشان برای من بود.

● در ماه‌های اخیر در چند کنسرت تعدادی از تماشاگران به شدت آسیب دیده یا حتی در گذشته‌اند. شما در اجراهای زنده با چنین مسائلی برخورد کرده‌اید؟

خوشبختانه موسیقی که من اجرا می‌کنم به نحوی نیست که هیجان کورکننده‌ای در علاقمندان ما ایجاد کند و اینگونه جریانات بیشتر در آلبوم‌های راک اتفاق می‌افتد. تماشاگران کنسرت‌ها افرادی هستند که فقط به دنبال موسیقی هستند و اهل درس‌سازی برای من نیستند!

● در آلبوم تازه شما تشابه‌هایی با سبک جف بک دیده می‌شود...

تشابهات به حدی نیستند که شاخص و واضح باشند، البته من در آهنگسازی همواره جف بک، جیمی پیچ، جیمی هندریکس، دریک کلیتون و مایلز دیویس را الگو قرار می‌دهم ولی تنها در ریشه تفکرات اولیه با آنها مشترکاتی دارم.

● در این آلبوم همچنین رویکرد شما به موسیقی بلوز بیش از سایر آلبومها بوده...

سالها بود که چنین تصمیمی داشتم. همیشه فکر می‌کردم که وقتی ۶۵ ساله شدم، این تجربه را خواهم یافت که بلوز بنوازم و با خودم می‌گفتم که برای تحقق این آرزو زمان کافی خواهم داشت. البته تجربه من در موسیقی بلوز به سالها قبل برمی‌گردد، به زمانی که مادرم آلبوم‌هایی از جان لی هوکر و مودی واترز به من هدیه داد و من سعی می‌کردم تا همراه آنها و یا همچون آنها در اتاق کوچکم بنوازم. ولی پس از آن همیشه خودم را کم‌تجربه حس می‌کردم تا اینکه در این آلبوم همراه با سایرین احساس کردیم که می‌توانیم کمی به سراغ موسیقی بلوز برویم و من از این مسئله واقعاً هیجان‌زده شدم.

● امروز، چندان تأکیدی بر تکنیک بالا در اکثر گیتاریست‌ها دیده نمی‌شود...

چون افراد فوق‌العاده با استعدادی به صحنه موسیقی آمده‌اند که بدون نیاز به تکنیک بالا، آهنگهای خوبی می‌سازند. کرت کوپین یک آهنگساز استثنایی بود و می‌دانست چگونه با ملودی‌های ساده کار کند. یا مثلاً آهنگی چون «رنج» از گروه Nine Inch Nails ابتدا شما را غافلگیر می‌کند ولی اگر کمی به آن دقت کنید فقط چند آکورد ساده است و هیچ تکنوازی در

جو ساتریانی یکی از نوازندگان بنام گیتار الکتریک است که چه در زمینه نوازندگی و چه در زمینه آهنگسازی موقعیت تثبیت شده‌ای در دنیای موسیقی دارد. او به همراه دو یار جدانشدنی اش استوارت هام (گیتار باس) و جان اتان موور (طبال) بیش از ۱۵ سال است که با آلبوم‌هایی چون «پرواز در رویای آبی» و «موج سواری با یک بیگانه» جایگاهی شاخص در بین نوازندگان الکتریک دارد. اخیراً از وی چندین کاست در بازار موسیقی ایران نیز تکثیر و بخش شده که همین مسأله غنای موسیقی او را تأیید می‌کند. نشریه معتبر بیل‌بورد اخیراً گفتگویی را با وی داشته که می‌خوانیم:

نوازنده‌ای با تجربه کافی!

